

ادغام نیروهای انتظامی: به چه شکل و با کدام هدف؟

متناقض ارجاعی رژیم "ولایت قیمه" است، همواره مورد تاکید بسیاری از نیروهای سیاسی میهن دوست و ترقیخواه بوده است. حزب توده ایران نیز به نوبه خود برزیان های حاصل از چنین سیستم ملوک الطوافین اداره کشور و تمیل نهادها و ارگان های موازی به ساختار دولتی تاکید کرده و بویژه خوانمان ادغام سپاه با ارتش و کمیته ها با شهریانی بوده است. در ادامه در ص ۲

اخیرا طرح ادغام نیروهای انتظامی شهریانی، وزارت امنیت ملی و کمیته ها) در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. از همان آغاز پژوهش و بررسی پیرامون این طرح نقطه نظرات متناول و حتی کاه متفاصلی در جامعه و درین پرسنل این نیروها مطرح گردیده است. تردیدی نیست که ضرورت ادغام سازمانها و ارگان های موازی بوجود آمده پس از انقلاب بهمن، که محصول ساختار حکومتی

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۲۳، دوره هشتم،
سال هفتم، ۱۶ مرداد ۱۳۶۹

یادواره
رفیق شهید
اکبر خطیب

ص ۴

در امداد رسانی
به زلزله زده گان:
حساب ایثارهای
مردمی از
ریاکاریها رژیم
جداست

در ص ۲

دستگاههای اجرائی باید به مرکز فعال خدمت رسانی تبدیل شوند اماچ گونه؟

عرضه، عوارض گسترده مخرب به بار آورد. علیرغم آنکه مسئولین رژیم پارما تکرار کرده اند که قوانین اسلامی باید در نظام جاری شود، آنان خود نیز می دانند هیچکوئه سیستم جایگزین "اسلامی"، برای نظام اداری کشور ندارند که اراده کنند. توجه آن که اساساً قوانین و مقررات جاری در نظام اداری همان است که در رژیم گذشته بود. تنها در دستگاه قضائی جموعه ای از قوانین و مقررات مبهم، متنوع و متناقض و واپس مانده از اعصار گذشته به اجرا آمده و به دستکاری مقررات سایر بخش های اداری کشور بطور جسته و گریخته اقدام شده است.

بعد از انقلاب آشتگی و نابسامانی فزون تری دامنگیر سیستم اداری کشور گردید، روندی که همچنان ادامه دارد. بخشی از مدیران طراز اول رژیم گذشته وحشته از جرائم ادامه در ص ۲

تجاوز عراق به خاک کویت محاکوم است

در اولین ساعات بامداد پنج شبیه گذشته ارتش عراق با یک حمله مجاوز کارانه برق آسا مرزهای کویت را پشت سرنهاد و ظرف چند ساعت تا ۱۷۰ کیلومتر داخل خاک این کشور پیش روی کرد. نیروهای عراقی اولین حملات خود را با ۳۰ هزار سرباز و ۲۵۰ تانک آغاز کردند و مراکز حساس پایتخت کویت را اشغال نمودند. خبرها حاکی از آن است که در جریان اولین حملات به داخل خاک کویت صدها تن کشته و مجروح شدند.

مناسبات عراق و کویت طی هفته های اخیر رویه و خاستگاریه بود. رژیم صدام حسین دولت کویت را متهم می کرد که میلیونها بشکه ذخادر نفتی عراق در مرزهای دو کشور را به سرقت برده است. وی در این رابطه غرامت سنتیکی را از کویت طلب کرد و نیروی زمینی عراق را در مرزهای کویت به حالت آماده باش درجه یک درآورد. تلاش کشورهای عرب و برخی محاکف بین المللی برای کامپنی تشخیص بین دو کشور موثر واقع نشد و سراجام صدام حسین فرمان اشغال کویت را صادر کرد. به دنبال این اقدام مجاوز کارانه، نیروهای آمریکا در منطقه به حالت آماده باش کامل درآمده اند.

تجاوز نیروهای عراق به خاک کویت بازتاب گسترده ای در سراسر جهان یافت و خشم بسیاری از مردم صلح دولت و محاکف و مجامع بین المللی را برانگیخت. شورای امنیت سازمان ملل متعدد به اتفاق آراء، این تجاوز را محکوم کرد و خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط ارتش عراق از خاک کویت شد. نشست فوق العاده جامعه عرب و اجلال و پژوه جامعه اقتصادی اروپا نیز به بررسی این رویداد و محکوم کردن مجاوز عراق پرداختند. اتحاد جامahir شوروی و ایالات متحده آمریکا این مجاوز را محکوم کردند و جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا، جهت بحث و بررسی ادامه در ص ۵

در نیمه دوم تیرماه، گردهمایی سراسری اعضا هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری کشور با شرکت معاون رئیس جمهور، رئیس سازمان اداری و استخدامی، اعضا کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان عدالت اداری و حدود ۲ هزار تن از اعضا هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری سراسری کشور، برگزار گردید. در آغاز این گردهمایی، پیام رفسنجانی، قرائت گردید. وی در این پیام خواستار شد که "دستگاههای اجرائی باید به مرکز فعال خدمت رسانی تبدیل شود" (کیهان ۱۸/۴/۶۹).

ایجاد یک تحول بنیادی در نظام اداری و سیستم مدیریت در ایران مدت‌هاست به یک نیاز مبرم جامعه مبدل شده و طی یازده سالی که از حیات نظام جمهوری اسلامی می گذرد، پاسخگویی به این نیاز هر روز از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است.

در دو دهه پایانی حیات رژیم شاه، به موازات انجام رiform های اقتصادی، استقرار نظام سرمایه داری وابسته شتاب بی سابقه ای یافت. اصلاحات ارضی میلیونها دهستان را از زمین جدا و آواره شهرها کرد و جایگاهی اشاره و طبقات سرعت وابعاد گسترشده ای گرفت. همه آن رiform های اقتصادی در راستای منافع سرمایه داری وابسته و در چارچوب استبداد مطلقه صورت می گرفت و همه تغیرات با فرمانی از بالا و جدا از مردم به اجرا درمی آمد. اما آن اصلاحات اقتصادی و آن جایگاهی گسترشده اشاره و طبقات که از جمله خود را در رشد بادکنکی شهرها نشان می داد با Riform سیاسی و اجتماعی همراه نبود و نمی توانست باشد. لذا تضادها و تناقصات در جامعه رشد شتابنده ای یافت، و سرانجام رژیم ضدملی و مستبد شاه را با عصیان و انقلاب میلیونی توده ها مواجه کرد. اما پس از انقلاب در پعد سیستم اداری جامعه چه پیش آمد؟ امروز جامعه در کجا ایستاده است؟ و نیاز جامعه به تحول در نظام اداری، سیستم مدیریت، و قوانین جاری در آن چگونه است و حاکمیت جمهوری اسلامی آن را چگونه می بیند؟

تلاش رهبری جمهوری اسلامی بعد از انقلاب در چارچوب اسلامی کردن ممه شیون اجتماعی پیش رفت که این امر دامن نظام اداری فرسوده و بحران زده به اولیات مانده از رژیم گذشته را گرفت و به جای ایجاد تحول در این

کمک به زلزله زدگان یک وظیفه انسانی است!



دستگاههای اجرایی ...

توزيع را می‌توان تحول اقتصادی نامید؟ همچنین فاصله علیم قدر و ثروت، پایام شدن بدینه ترین حقوق فردی و اجتماعی، کنترل پلیسی بر خصوصی ترین زندگی مردم، تفتيش عتاید و نفس خشن آزادی‌های دمکراتیک، آیا اینها موته‌های مورد نظر آقای رفسنجانی در مورد تحولات اجتماعی سالهای پس از انقلاب هستند؟

اینها همه محصول نظام خودکاره ایست که استبداد مطلقه مذهبی را بر جامعه مسلط ساخته و عامل اصلی شکوفایی اقتصاد و تحول فرهنگی و اجتماعی یعنی آزادی و شرکت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت کشور را از صحت حذف کرده است.

رفسنجانی در این پایام خود همچنین به ارعب به عنوان حریه عده حکومت "ولایت قبیه" متولی می‌شود: "مسئولان اداری موظفند ضمن اجرای نظام پاداش و ایجاد انگیزه لازم برای کارکنان شایسته و وظیفه شناس بالغه ارادی که خود را با الگوی رفتاری اسلامی تطبیق نمی‌دهند با قاطلیت پرخورد کنند... وجود افراد بی تقاضت نسبت به ارزش‌های الهی انتقامی جامعه و کارشکنی نه تنها باعث اختلال در نظام خدمت رسانی دولت به مردم می‌شود بلکه موجبات هتك حرمت کارگزاران خادم و صدیق را فراهم می‌نماید که این خود گناهی نایاخشونی است."

نه آقای رفسنجانی! دیگر اکنون کمترکسی تردید دارد که حل بحران غیر قابل تحمل جامعه در گرو درهم شکستن اصل "ولایت قبیه"، نه استبداد و بازگرداندن قدرت به دست مردم و نایاندگان منتخب و شایسته آنان است. این گردهمانها و نشست و برخاستها همانند گذشته سرمایه معنوی و مادی مردم را به هر آب می‌دهد و کمترین اثری در حل مضلات جامعه نخواهد داشت. بدینه است که تحول در نظام اداری کشور بسود مردم و کارکنان نیز در چارچوب دمکراسی سیاسی و اجتماعی امکان پذیر است.

زایده اختلافات درون حکومتی و جنگ قدرت چنانجاست، بحران سیستم اداری را حد چندان کرده است.

اینک هاشمی رفسنجانی که از پیروزی انقلاب تاکنون از گردانندگان اصلی رژیم بوده و در قام سیاست گذاریها و تصمیمات جمهوری اسلامی نقش درجه اول داشته، برای ایجاد تحول در دستگاه اجرایی کشور، به جای پرداختن به علن ناپسامانی گستردۀ ای که از جمله پرسیستم اداری و مدیریت کشور مسلط است، ابتدا وضع

"تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام حکومتی منبعث از ارزش‌های الهی، بی تردید گرگونی‌های وسیعی را در ساختار فرهنگی - اقتصادی - سیاسی و اجتماعی موجب گردیده..."، "... و اکنون اصلاح و نوسازی نظام اداری به صورت جدی تری جزو برنامه‌های دولت قرار گرفته است" (کیهان ۱۸/۴/۶۹).

رفسنجانی از کدام تحول فرهنگی - اقتصادی - سیاسی و اجتماعی سخن می‌گوید؟ تحول فرهنگی یعنی گرگونی کیفی حاصل از گسترش دانش و هنر و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در میان مردم و ایجاد ارتقی از کارشناسان مجهر به علم و فن، در سطح جامعه. آیا رژیم ج. ا. جز تبلیغ خرافه پرستی، تقدیر گرایی، مرکی اندیشه و در پی کلام تخریب فرهنگی جامعه کار دیگری کرده است؟ ضریبه ای که رژیم نیز عنوان "انقلاب فرهنگی" بر امر آموزش عالی و آموزش و پرورش وارد آورده، جیران آن نیازمند چند نسل کوشش بی وقه است.

و اما براستی از کدام تحول اقتصادی و اجتماعی می‌توان سخن گفت؟ اقتصاد بحران زده متکی بر در آمد نفت، برنامه و بودجه غیرواقع بیانده و کسری بودجه سرسام آور، پرداختن میلیارد ها دلار برای ورود کالاهای مصری، حاکمیت بازار سیاه ارز و کالا و هرج و مرچ نظام

خود از کشور گریختند، برعی در واپسین روزهای انقلاب سریما چهره عوض کردند، مسلمان دوآتشه و پیرو انقلاب و "امام" شدند و کم نبودند این عناصر این وقت که در رأس اینجمن‌های اسلامی اداری اقدامات قرار گرفتند. افزاد پسیاری فاقد تجربه، تخصص و انگیزه مردمی و انقلابی با گذاشت ریش و ورود به اینجمن‌های اسلامی یا محافل روحانیون ساحب نفوذ محلی، مدارج ترقی را سریما طی کردند و در سطوح مختلف در سیستم اداری کشور کرسی های مدیریت را اشغال کردند.

روحانیت به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دخل و تصرف در اداره امور پرداخت و سیستم اداری کشور در بی‌نظمی و هرج و مرچ کامل قرار گرفت.

از آنجا که در اثر سیاست‌های ضد ملی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی، بیرونی طی سالهای جنگ، اقتصاد کشور ورشکسته شد، قیمت‌ها سیر صعودی پیمود و درآمدها ثابت ماند. این امر بتویه خود شرایط اجتماعی گسترش فساد از جمله فساد اداری و رفعه خواری گستردۀ را بوجود آورده، و از سوی دیگر عدم تناسب غیرقابل توصیف میان درآمد کارمندان و ورشکسته و بازار سیاه باعث گردید کارمندان برای تامین زندگی به مشاغل دوم و سوم کاذب و جنبی روی آورند.

در این سالهای ختفان سیاسی و محرومیت‌های گستردۀ اجتماعی باعث اخراج تعداد بسیاری از مدیران و کارمندان متخصص و دگراندیش از ادارات گردید و هزاران متخصص ارزش‌های کشور در خیل چند میلیون ایرانیان اند که از ظلم و جور رژیم جمهوری اسلامی به جان آمده و به خارج از ایران مهاجرت کرده اند. علاوه بر آن تناقضات ساختاری که از جمله

الف. فرام نیروهای انتظامی

ایدئولوژی حاکم و در خدمت نظام "ولایت قبیه"، بلکه بر مبنای حفظ ارزشها و تجربیات حرفه‌ای مفید شهریانی و ارتقی است. اما شواهد امر حاکی از آنست که رژیم مقصد دیگری را دنبال می‌کند. سران جمهوری اسلامی هدفشان از ادغام ارگان‌های مسلح موازی، سازماندهی نیروی مسلح واحد ایدئولوژیک با وظیفه مقدم سرکوب مردم و حفظ سلطه استبداد مذهبی بر کشور است. طرح ادغام نیروهای انتظامی نیز موید همین واقعیت است. چنین چشم انداز تکران کننده ای در مورد ادغام ارتقی و سپاه نیز متفق نیست. خبرهای موجود حاکی از آن است که نارضایتی‌های پسیاری در بین پرسنل نیروهای انتظامی پیامون مین مسئله بوجود آمده و از جمله نسبت به این درک از "ادغام" که بدون

همین رابطه در برنامه عمل سیاسی (کوتاه مدت) حزب آمده است:

"حزب توده ایران خواهان نوسازی نیروهای مسلح از طریق ایجاد ارتقی اینجمن و دیگراندیش از ادارات گردید و هزاران متخصص ازمرزهای ایران خواهد بود... حزب مخالف سرخست استناده از ارتقی و دیگر نیروهای مسلح برای سرکوب جنبش اعتراضی مردم است. از این نظر، حزب حفظ "سپاه پاسداران انقلاب" را که به نهاد سرکوبکر خلق تبدیل شده زائد می‌داند و خواهان ادغام آن با ارتقی و کاهش چشمکیر مجموعه نیروهای مسلح است." اما، اکنون حرف پرسنل چکونکی و هدف ادغام نیروهای مسلح موازی است. در اینکه کمیته‌ها و سپاه پاسداران به ارگان‌های سرکوب مردم و اعمال سیاست ترور و اختناق رژیم تبدیل شده اند شکی نمی‌توان داشت. بنابراین مسئله ادغام کمیته‌ها با شهریانی و سپاه با ارتقی، نه به معنای تشکیل نیروهای مسلح جدید متفکی به

استقبال از خبرنگاران و فیلم برداران جهت بازتاب ابعاد فاجعه که از نظر برانگیختن همبستگی بین المللی می توانست پسیار مؤثر واقع گردد به تلاشهای از این دست روزی خوش نشان نمی دهد و امدادهای جهانی را سد می کند.

های آنان را خواهند ساخت".

یکی از شوه هایی که رژیم برای تظاهر به کمک مهه جانبی به زلزله زده گان بکار می گیرد در انصار گرفتن جمع آوری و توزیع کمک های مردمی و جلوگیری از حضور خود مردم در مناطق زلزله زده و ایجاد تشکلهای امداد

مصطفی که از موقع زلزله مرگزا بر مردم میهن مان و خصوصاً اهالی دو استان گیلان و زنجان وارد آمد همه انسان دوستان و بیویه هم میهانگان را به جنب و چوش یاریگرانه ای برانگیخت. می توان گفت این مدد رسانی توصیف ناپذیر در درون کشور بیش از هرچیز بدان خاطر است که همه تجربه های دور و نزدیک مشابه نشانگر آن بوده است که خود کامگان و زر اندوزان حاکم در چنین مواردی اساساً عده های میان قمی و بی بی هشتاد هجده مردم داده، از زیر بار مستولیت شانه خالی کرده، و ناگفته کار کمک رسانی را به خود مردم واگذاشت اند.

نوع دوستی ستایش برانگیزنه مردم در

یک چنین همکاری همبستگی نمودار شد. مردم برای امدادهای خون و خوارباری که برای دستیاری به

آن ساعتها انتظار کشیده بودند، در صفحهای طولانی ایستادند. یاری مردم چنان بود که از

جمله سازمان انتقال خون دو روز پس از موقع زلزله اعلام کرد، "دیگر به تبریز انسانی داوطلب نیازی نیست. نه کمود خون که کمود کیسه خون هست". مسئول مهانگی ستاد

کمک رسانی در مصاحبه ای گفت، "اصلاً برای ما قابل پیش بینی نبود که مردم حتی از با ارزش ترین اثاثیه خود در این راه بگذرند... دیگر انبارهای ما مملو از این هدایای ارزشمند مردم می باشد و جا برای آنها نداریم".

آری برای ایثارگران رژیم اصلاً باور کردنی نبود که مردم که ج. ا. طی یازده سال

حاکمیت خود خونشان را در شیشه کرده و جز پوست و استخوان از آنها بر جای نگذاشت برای

هم میهان مردمیت زده خود چنین ایثارگری و فداکاری کنند. چنانکه به اعتراف رئیس جمهور

پیشمار بودند کسانیکه "بیش از ۲۰ بار هم از اهدای خون خود دریغ نورزیدند". اما در مقابل،

رژیم "لایت فقیه" برای زلزله زدگان چه کرده و می کند؟

صرف نظر از برخی اقدامات محدود کارنامه رژیم را در این زمینه می توان بطور نشوده چنین

بیان کرد، کشایش شماره حساب بانکی، اعزام نیروهای مسلح، بازدید از مناطق زلزله زده، و

اعلام عزای عمومی، ایراز تشرک از مردم، و صد

البته جلوگیری از حضور هم میهان یاریگر در

مناطق زلزله زده و کمک مستقیم به آنها و نیز

سوه استفاده های آشکار و کلان از کمک های دیگر کشورها به زلزله زدگان. چندی پیش بود که ناینده خوزستان در مجلس رژیم در انتقاد از

عدم رسیدگی به سیل زدگان خوزستان گفت:

"... علیرغم پیکری مای مکرر اینچنان در

مورد رسیدگی به وضع سیل زدگان ناشی از سیل آذر ۶۸ استان خوزستان، متاسفانه تاکنون یعنی

تیرماه ۶۹ اقدامات لازم صورت نگرفته است".

اینک نیز وضع دریاره زلزله زده گان استانهای

گیلان و زنجان بیش از این نمی تواند باشد،

هرچند که رژیم با وعده و وعید و تبلیفات

عواطف بیانه چنین وامند که از هیچ تلاشی برای کمک به آنها دریغ نمی ورزد. برای ثبوته

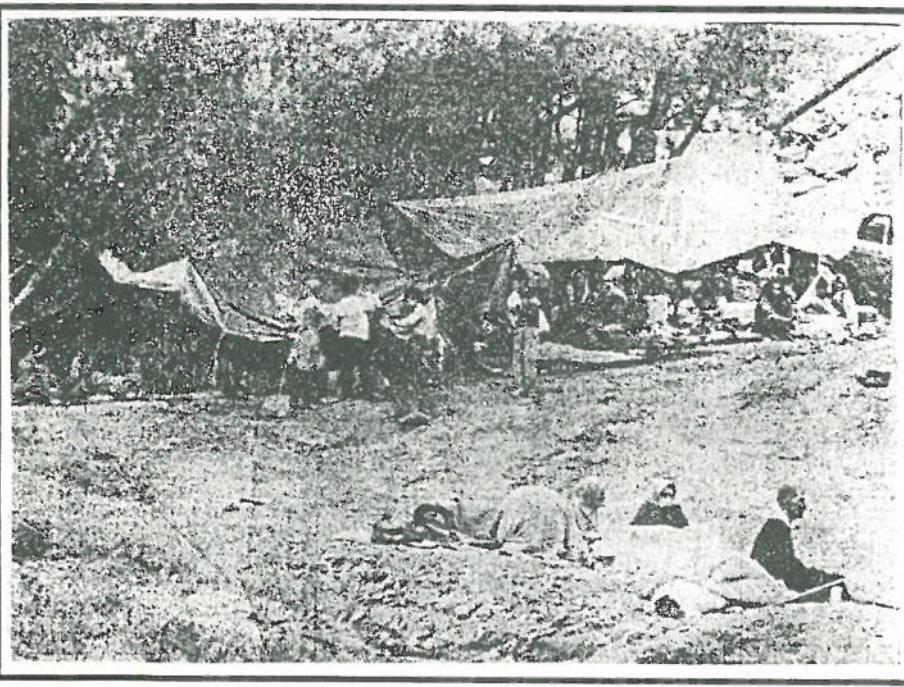
این در حالیست که علیرغم کارزار تبلیغاتی روزهای اول فاجعه، امکانات دولتی برای اسکان بازماندگان زلزله پسیار ناچیز بوده است و اساساً در جهت نجات انبوه مصیبت دیدگانی که در زیر چادرها بسر می برند، با توجه به سرمای زود رس هیچ طرح و برنامه جدی مد نظر نیست. در همین ارتباط وزیر کشور ج. ا. در مصاحبه ای می گوید: "مجموعه امکانات پیش ساخته موقت کشور برای اسکان همه زلزله زده گان (شامل ۱۰۰ هزار خانوار) و ایجاد سرینه برایشان کافی نیست". وی سپس اضافه می کند، "با توجه به قرار رسیدن قسل سرما و مشکلات ناشی از آن قرار است که از امکانات موجود محلی برای احداث یک واحد مسکونی سه در چهار، از سوی دولت به خانوارهای وابی بلاخصوص به مبلغ ۲۰۰ هزار ریال پرداخت شودا"

در چنین شرایطی مردم آگاه ایران حق دارند که در کمک به بازماندگان فاجعه زلزله، چشم امیدی به رژیم نداشته باشند و همانند گذشته با کمک های بی دریغ خود از راههای مختلف زلزله زده گان را تنها و بی پشت و پنهان نگذارند.

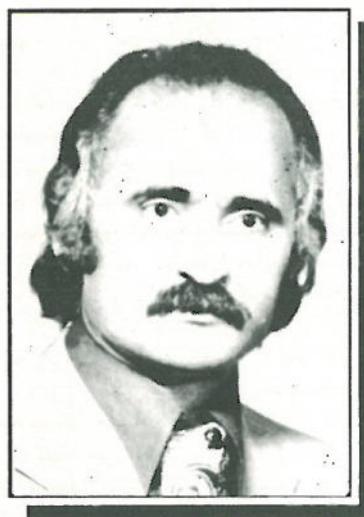
رسانیست. "ولی فقیه" از قوه قضائیه می خواهد، آنها را که در مناطق آسیب دیده به انحصار مختلف شیطنت می کنند، انواع مختلف خبات از خود نشان می دهند (راهزنی، دزدی، ایدا و شماتت و تضعیف روحیه و غیره) سریعاً مجازات و تادیب کندا".

و در همین راستا دولت علیرغم وسعت و عظمت فاجعه، مهمترین وظیفه مسئولین بسیج و قوای انتظامی را "حفظ و تأمین امنیت عمومی و حراس است از اموال مردم" (!?) تینی می کند و کمیته ها و سپاه با پست راه بر مردمی که از اقصی نقاط کشور برای کمک رسانی به سوی مناطق زلزله زده می شتابند به آنان می گویند: "کمک های خود را به مراکز کمک رسانی، آن هم نه به شکل جنسی بلکه نتقی" تحویل دهید و به سرکار خود بازگردید". شرم آور است که دستگاههای تبلیغاتی رژیم علت چنین کاری را "جلوگیری از به غارت رفتن اموال زلزله زدگان" اعلام می کنند.

دولت بجای بررسی علل پرتغالات و خسارات بودن زلزله اخیر به سوه استفاده از باورهای مذهبی مردم می پردازد و این مصیبت را "امتحان الهی" قلمداد می کند. همچنین بجای اعلام دقیق آمار قربانیان و دامنه ویرانیها و



پادشاه و فقیق شهید اکبر خطیب



از پیکی از سروده های
رفیق خطیب در زندان

"ما در این راه پرازگرزوگراز و سرما
چشم امید به لبخند تو دارم
و در این نیمه شب قیراندو د
که ره و بام و در اباشته
از لاشخور و کفتار است
به بهار گل سرخ و لاق آذین سحرگاه
نظر دوخته ام."

"من متمم به حمایت از حقوق مردم
زحمتکش و تحت ستم جامعه هستم. گناه من
مبازه با فساد اخلاق ناوشی از رئیس سرمایه داری،
حق طلبی و عدالتخواهی اجتماعی است. امثال من
در زندان های آفریقایی جنوبی، شیلی،
السالوادور، مصر، سودان و اندونزی و غیره
فرداوان اند".

او می افزاید: "... به خاطر دفاع از آزادی
و دمکراسی در چنگ نکهبانان سرمایه اسیم. تا
امروز روزهای سخت و سیاهی را پشت سر
گذاشت ام و در برابر ممه شمارهای روحی و
جسمی مقاومت کرده ام، تا به دیگران درس
زندگی بیاموزم".

در نامه دیگری می نویسد:
"من شخصا از سلامتی کامل روحی و
جسمی برخوردارم و محیط زندان در بدترین
شرایط آن کوچکترین اثر سوئی روی من نخواهد
داشت. روزها و ماهها در میان هاله های امید به
سرعت من گذرند و شرف و آرامش وجودان را از
خود بر جای می گذارند".

و به عزیزی چنین می نویسد:
اگر خیزها و فرازهای زندگی را امر مسلم و
پذیرفته شده بدانیم، اگر معتقد به پویانی تاریخ و
بازتاب آن در روابط اجتماعی باشیم، اگر مرگ را

شاهbaz طریقت

زندگی هایی هست که اگر از سرکوتاه گویی ناکنایر، قصد بر فشردن و نمایش سوشت آنها با تک واژه هایی باشد، درباره شان می توان گفت،
رُنچ، رُزم، پایداری و پذیرفته دلاورانه نقطه های سرین پایان. و اینکوئه زیستن و باقلبی
پرامید از خود گذشتن، آنجا که می توان در برابر تهدید سیاهی می روزن نیستی،
اندکی از چکاد ایستادگی فرو لغزید و شمیرینی "بودن به از نبود شدن خاصه در بهار" را
درجان چشید، کاری است سترگ و سزاپنده سلحشوران مردم دوست.

چنین است زندگی رفیق شهید اکبر خطیب
که در برابر ستم محملی نمی شناخت و در راه نیکبختی و بهروزی رنجبران،
از احساس نیازی چاره نایابی به رُزم و سُتیز سرشار بود.

رفیق اکبر، به عنوان یک سازمانکر انقلابی،
به سهم خود در جنبش مردم ایران در راه
سرنگونی رئیس سلطنتی شرکت فعال داشت. با
پیروزی انقلاب و آغاز فعالیت علی حزب
در ایران، او نیز فعالیت گستردۀ را شروع کرد.
در این دوره از زندگی سیاسی، شب و روز و گاه
و بیکاه نمی شناخت و از تمام هستی خود مایه
می گذاشت. همیشه آنجا که حزب به وجودش
احتیاج داشت، فروتنانه و بی دریغ حاضر به انجام
هر کاری بود.

سرابجام زمان شیوخون فرا رسید. رفیق
خطیب، این کادر برجسته حزب و جنبش، در
اردبیلهشت ماه سال ۶۱، به هنگام پورش
پاسداران رئیس ضد انسانی و آزادی کش خمینی به
حزب، در خانه خود بازداشت و روانه دخمه های
جهنمی شد. او ۹ ماه آزگار در سلوان های غور و
کم نور "اوین"، پویزه به خاطر مستولیت های
سنگینی که در سازمان های حزبی قم، کاشان،
ساوه و گرمسار و نیز شعبه تبلیغات پرعده
داشت، زیر هولناک ترین شکنجه های جسمی و
روحی قرار گرفت. در هی ۳ سال و نیم یلاتکلینی،
سرابجام به ۶ سال زندان محکوم شد و به زندان
قرزل حصار انتقال یافت. در زندان به عنوان یکی
از چهره های مقاوم شناخته شده بود که نقش
برجسته و فعالی در سازماندهی اعتضاد و دیگر
اشکال مقاومت زندانیان، در برابر زندانیان ایفا
می کرد، از این رو بود که بارها راهی سلوان
انفرادی گردید.

به مقتصای کارشن، پیوند هرچه نزدیکتر
و گستره تری با کارگران و زنجیران پیدا کرد
و ازین پیوند، با طرافت درخور ستابیش برای
بیدار کردن اذهان همنوعان تحت ستم خود بهره
برداری می کرد. رفیق خطیب هیچگاه در
زندگی دل به جاه و مقام نمی سپرد، و بعنوان
انسانی نموده زیان حقوقیش جز در دفاع از
منافع زحمتکشان باز نمی شد.

در سال ۱۳۵۰، هنگامی که در
برابر وزیر کار و امور اجتماعی ایستادگی از
خود نشان داد و به پیشنهاد ترقیه پشت ها
زد، از کار معلق شد.

زندگان سیپا اسی آزاد پاید گردند!

تحلیل اوضاع جهان به سبک جمهوری اسلامی!

اگر سران رژیم چنین تبلیغ می کنند که نظام جمهوری اسلامی متکی به مردم و رهبر آن نماینده خدا بر روی زمین است نه به این معناست که خود از درجه اندیزه ای چنین حکومت خود کامه ای در جامعه بی خبرند، بلکه این فریبکاری خود در خدمت تحکیم سیستم ترور و اختناق است که کمترین اعتراض و مخالفت را به قسوات آمیزترین فکلی سرکوب می کند.

نوزادی و تکامل و نگرش به جلو پرخوردار است. این محولات خط بطلانی است بر هر نظام سیاسی - اجتماعی که بر تحمیل ایدئولوژیک و به انتقاد درآوردن جامعه و زندگی و ازادی های فردی انسانها متکی باشد. بنابراین، چنین محولاتی با این مضمون و سمت و سوچه قرباتی با نظام استبدادی و ارجاعی "ولایت فقیه" می تواند داشته باشد؟ ظالمی که در آن آزادی و حقوق انسانها به تمام معنا و در همه جهات لکمال می شود و کرامت انسانی فاقد کمترین ارزش و احتراست.

اگر سران رژیم چنین تبلیغ می کنند که نظام جمهوری اسلامی متکی به مردم و رهبر آن نماینده خدا بر روی زمین است نه به این معناست که خود از درجه اندیزه ای چنین حکومت خود کامه ای در جامعه بی خبرند، بلکه این فریبکاری خود در خدمت تحکیم سیستم ترور و اختناق است که کمترین اعتراض و مخالفت را به قسوات آمیزترین فکلی سرکوب می کند. بی دلیل نیست که پیزدی، رئیس قوه قضائیه، در مراسم مجازمه هفته گذشته به ناگزیر ماهیت چنین ادعائی را برملا می کند و می گوید:

"در نظام اسلامی ایران طبقات حاکم با مردم یکی هستند. پعنی حکومت از آن مردم است و مردم نیز همان حکومت هستند و آنچه که حکومت می کوید همان است که مردم می گویند... نظام جمهوری اسلامی در فصلی از تاریخ اسلام قرار گرفته است که اگر کسی نسبت به آن توجه نکند و بی جهت موجب تضییف آن شود باید بداند که اسلام را مورد هجوم قرار داده است و علیه قرآن و اسلام عمل کرده است".

چنین ادعاهای و تهدیدهای پرمعنایی که دروغایه آن جز ناتوانی معنوی و سیاسی یک رژیم بیکاره از مردم غنی تواند باشد، در حقیقت بیانگر هراس سردمداران نظام حاکم از روح زمان ما و موج آزادیخواهی و ازادگی بر روی است که دیرازود بساط استبداد و ستم آنان را نیز درم می نماید.

خلق فلسطین و تقویت مواضع تجاوزگرانه اسرائیل و نیز بهانه ای برای تداوم و تشید حضور نیروهای بیکاره در منطقه است.

این تجاوز و چنگ افزایی بزرگ در شرایطی که حل مسائل و اختلافات بین کشورها از طریق مذاکرات سیاسی و به کرسی نشاندن عقل سلیم، بیش از پیش به یک اصل مورد پذیرش و احترام در مناسبات بین المللی بدل می شود و بشدت صلح دوست هرگونه توسل به چنگ و خونزی را ناموجه می دارد، بسیار تکران کننده است. ما بیگانه ای از این تداوم و تقویت حق از این کویت و تقویت حق حاکیت این کشور مستقل را به شدت محکوم می کنیم و خواهان بازگشت هرچه سریع تر نیروهای عراق به مرازهای شناخته شده بین المللی بین دو کشور هستیم.

هفته گذشته آقای خامنه ای در جمع کارگزاران سیاست خارجی رژیم گفت، "محولات جاری در دنیا امروز اگرچه در مناطق دیگر از جهان صورت می گیرد، اما به ما هم مربوط می شود. امروز صحفه اروپا اغشته به آثار و تاثیرات این محولات است. مسئله دو آلمان، اروپای متحده و تأثیرات ناشی از آن و نیز مسائل مربوط به شوروی مسافت عظیمی هستند که پس از این داده و بروز این مسائل عظیمی نوشته به آن بوجود آمده و می آید".

(صدای ایران ۱۰/۵/۶)

این اولین بار نیست که سران رژیم در محولات اتحاد شوروی و کشورهای اروپای خاوری و سبله ای برای توجیه نظام خود کامه و بحران زده "ولایت فقیه" را جستجو می کنند. قبلاً آقای رفیضجانی نیز به کرات این حریه تبلیغاتی را به کار گرفته است. اما به وضوح می توان گفت که فریبکاریهای سبک سرانه ای از این دست که بر قلب واقعیت سیاسی جهان تکیه دارد، درست بر حکم نشانه ضعف و بی ثباتی رژیم و مایه رسوایی بیشتر آن است.

در مورد محولات اتحاد شوروی و طرح نگرش نوین سیاسی به مسائل جهان که به دنبال آن رویدادهای اروپای خاوری اتفاق افتاد، نظرات گوناگونی ارائه می شود. اما صرفنظر از واقعیت کنونی که کام بسیار دردناک و حصول اشتباكات گذشته و پیش از این طوفانی به دوران نوسازی است، یک نکته برجستگی پیش از دارد و آن اینکه ماهیت و خصلت آن ضرورتها که چنین محولاتی را در دستور خود قرار داده، بر جستجوی راههای جدید نیل به پیش از تواند باشد و تعالی و تکامل مدن بشری استوار است. بستر چنین راه جویی نیز تحکیم و تقویت صلح جهانی، ایجاد سیستم فراگیر امنیت بین المللی، گسترش دمکراسی و نقش هرچه از ازادانه تر و خلاق تر توده های مردم در تعیین سرنوشت شان است.

از همین روزت که محولات میزبور علیرغم برخی جبهه های متناقض و بغزج آن و با وجود همه ابهامی که در چشم انداز خود دارد، از سریت

در سکون و زندگی را در حرکت بدانیم پس جای هیچگونه گله و شکایتی نیست. از اسارت در صحنه کارزار و تن پوش انسان با سرب مذاب... بگذار اندیشه های پاک در پست تاریخ برقرار و استوار بگاند تا تکوین که

"چه شکر است در این شهر که قانع شده اند شاهبازان طریقت به مقام مکنی" ... اگر به زندگی همه آنها یکی که

شناسی خوب دقت کنی خواهی دید هر خانواده ای با مشکلی رویرو است. یکی شوهر یا فرزند و یا برادرش شهید شده، یکی سرپرست خانواده اش و یا یکی با دو فرزندش در زندان است. خلاصه هر کس بشکلی دست بکریان دردها و نابسامانیهایست. زندگی گذشته شکل خود را از دست داده و برگشت تا پذیر شده است. هم اکنون افرادی با سن بالا، جوان، زن و یا مرد با حکم های ابد، ۳۰ سال، ۲۰ سال، و کمتر روز را به شب می گذرانند. کسانی هستند که پس از دو یا سه ماه ازدواج به زندان افتاده اند و باید سالها زندان را تحمل کنند. مادران جوانی مستند که با داشتن فرزندان خردسال باید ۱۵ سال در انتظار بازگشت شوهر گانند.

هر کسی به نوعی کرتاری هایی دارد و اگر قرار باشد در برابر این مشکلات جا خالی کرد و تسلیم شد همه چیز از بین خواهد رفت. ادامه زندگی مفهومی ندارد".

فساری های رنکاریک و دهشت انکیز زندانیان برای درهم شکست روح او، راه به جانی نبرد، بلکه گوهر پایداری و ایستادگی جان آزادی دوست و دادجوی او را تایندگی و درخشندگی الامساک گویند این بخشید. و این واقعیت می توانست از چشم به اسارت کشاند گاشن پنهان گاند. رژیم تاب تحمل بی تفاوت ماندن در برابر این پویه را نداشت. چرا که اورا پیکارگری چاره نایندیر پایاند. پس قصد جانش کردند و هرچند او را در بیدادگاههای خوبیش به ۶ سال زندان محکوم کردند، در جریان فاجمه ملی قتل عام زندانیان سیاسی، ننگ نازد و دنی دیگری برای خود خردند و جان شریف او را به چنگ ناپاک خود گرفتند.

جاودان باد خاطره با شکوهش!

تجاوز عراق به کویت ...

کشورها را که بالغ بر دهها میلیارد دلار می شود مسدود کرده اند و نوسان بهای نفت، کالا و انواع ارز شدت یافته است.

اشغال کویت از سوی عراق که تقصی آشکار حق حاکیت ملی کشورهایت می تواند از سوی جامه بین المللی و مردم صلح دوست جهان حمل کردد. منطقه خلیج فارس که پس از آتش بین ایران و عراق و میان اشتداد چشم انداز صلح می رفت تا روی آرامش به خود بیند، اکنون پاره شده از کشورهای منطقه خلیج فارس و بسیاری دیگر از کشورهای جهان نیز به شدت محکوم گردید و نگرانی های بسیاری را برانگیخت. توقف صدور اسلحه به عراق و تحریم خرید نفت از این کشور از جمله مجازات های پیشنهادی در قبال عملیات تجاوزگرانه عراق است.

گزارش های دیگر حکایت از آن دارد که به دنبال اشغال کویت، دولت های آمریکا، زاہد و اکثر کشورهای اروپائی سپرده های دولت کویت در این



از کارخانه‌ها
زندگی و
رژم کارگران

شرکت آرد و نان
سیلوی تهران واقع
دروچه راه چیت سازی
حدود ۴ هزار پرسنل دارد
که ۴۰۰ نفر آنها کارگر
هستند و ازین تعداد
۲۵۰ نفر افغانی.

روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه کارگران در مقابل شرکت متحقق می‌شوند و در خواست اضاله دستمزد می‌کنند. پس از مدتی چند ماهین کمیته می‌آیند وهمه کارگران را دستگیر کرده و با خود می‌برند. یکی از ناظران می‌گوید: « مثل سابق، حال کارگران را حسابی سرجا می‌آورند (۱) و بالاخره کارگران را قانع (۲) می‌کنند که با همان دستمزد سابق به کار آمده‌اند. درخواست بازجویی کردن هر کیسه آرد با وزن زیاد قطع ۲۵ ریال است. »

آخری در سازمان تامین اجتماعی شماره ۱۵، واقع در سه راه آذربایجان علیه رژم توشه شده بود. مسئول حراس است اداره، کلیه کارمندانی را که سابقه سیاسی داشتند مورد بازجویی قرار داد و موفق نشد سرنخی کیریاورد.

کارگران بیکار معمولاً در میدان مغرب‌الدوله سرکوچه نوشین جمع می‌شوند تا کاری برای خود پیدا کنند. روز دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه گشت پلیس پس از هتکی به آنها، همه را به زور متفرق کرد.

کارخانه "تولیداروی" قزوین با ۲۰۰ نفر پرسنل در هفته سوم فروردین ماه امسال شاهد درگیری کارگران با مدیریت کارخانه بود. انگیزه درگیری اخراج چند نفر از کارگران دراستند ماه ۶۸ و نیز نتو حقوق تولید پرداختی به کارگران بود. که مبلغ آن حدود ۱۲۰۰ تومان در ماه است. کارگران با مدیر شرکت که فردی حزب الله است درگیر می‌شوند و او را از کارخانه بیرون می‌کنند. فردای آن روز بنایه درخواست مدیریت حدود ۱۵۰ سریاز وارد کارخانه می‌شوند. کارگران نیز مدت یک هفته در کارخانه بسته می‌شونند. در حدود ۸۰ نفر از کارگران به دفتر ریاست جمهوری مراجعه می‌کنند و خواهان رسیدگی به آنها گفته می‌شود "برگردید قزوین، فردا کارخانه باز می‌شود". فردای آن روز، وقتی کارگران به کارخانه مراجعه می‌کنند، مدیر کارخانه ۸ نفر از کارگران را اخراج و چند نفر دیگر را از ۶ ماه از کار مطلق می‌کند. حدود ۴۰ نفر از کارگران طرفدار مدیریت و حدود ۲۰ نفر آنها بی تفاوت هستند و بقیه به مدیریت اعتراض دارند.

در آخرین هفت اردیبهشت ماه در یک کارخانه داروسازی در کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج، یکی از کارگران با یکی از پاسداران مستمر در محل کارخانه درگیر می‌شود. پاسدار او را با کلت تهدید می‌کند و در پاسخ کارگر که می‌گوید "اگر مردی بزن"! دو گلوله در سینه او شلیک می‌کند که منجر به قتل کارگر مزبور می‌شود.

شرکت حمل و نقل آبادان یکی از شرکت‌های عظیم حمل و نقل دولتی وابسته به وزارت بازرگانی است. در هفته اول خرداد ماه شاهد اعتصاب رانندگان بود. در جریان این اعتصاب و سرکوب آن از سوی پاسداران رژم کلیه شیشه‌های شرکت توسط رانندگان شکسته شد. پس از پرسش مزدوران حدود ۱۵ نفر دستگیر می‌شوند و اعتصاب شکسته می‌شود. این شرکت حدود ۱۰۰۰ نفر راننده در استخدام دارد. از جزئیات بیشتر هنوز اطلاعی در دست نیست.

سال گذشته دریای اعتصاب و اعتراض گسترده کارگران کارخانه ارج که پس از پکسال کار در صنایع دفاع خواستار بازگشت به کارخانه بودند مدیریت با آنها درگیر شد. افراد مذکور از ابتدای سال جاری سرکار خود در کارخانه ارج فراخوانده شدند و فقط ۵ نفر از آنان که به زعم مدیران کارخانه ارج، عامل اعتراض و اعتصاب وسیع کارگران مفترض بودند، از کارخانه اخراج شدند.

سپورست دانشکده فرستادند که موفق به گرفتن گازویل برای خوابگاه خود شدند.

★ در دانشکده دندانپزشکی، قسمت شرق دانشگاه تهران، خیابان قدس، دانشجویان حزب الله در جلوی دانشگاه تظاهراتی برپا کرده و خواستار هر زل رفیس دانشکده شدند. آنها روی دیوارهای دانشکده نیز شعارهای علیه رفیس دانشکده نوشتهند و خواستند و خواستار پکارگیری مجدد دکتر فاضل به سمت رفیس دانشکده شدند. چرا افراد حزب الله را کنار می‌گذاشتند.



به ما می‌نویسند

★ پس از مدت‌ها تأخیر، در اردیبهشت ماه امسال، کمک هزینه ۴۰ درصد از دانشجویان دانشگاه گیلان را پرداخت دانشجویان تظاهراتی برپا کردند. تراجم پاییز پارسال بود. این مسئله موجب غریبی در میان دانشجویان شد و وضع دانشگاه به شکل انفجاری درآمد. رفیس ازطرف دانشگاه با توشت نامه ای به وزارت خارجه راجعیرقابل قبول و نامساعد توصیف کرد. وزارت خارجه اسلامی دانشگاه را مصادف دادن و کاتالیزه کردن اختراقات دانشجویان، "ستون آزاد" تأسیس کرد.

★ در کوی دانشگاه پسران دانشجو به علت اعتراض به وضع بد غذا در اواسط ماه رمضان دست به اعتراض و اعتصاب زدند. دریی این اعتراض دانشجویان، تیاینده رفیس جمهور در محل کوی دانشگاه حضور یافت و اظهارات نصب کرده بودند، ضمن اشاره به برجای خواسته ای خیر دانشگاه خواهان بازگشت تیاینده "ولی فقیه" به داشگاه شدند. در همین روزها، یکی از تیاینده‌گان، در مجلس رژم نیز تیاینده رفیس مصادف شدند. او می‌گوید ممکن است از خواسته ای خیر دانشگاه تهران که من خواستم صحبت کنم یکی از عناوون کردند که نکوا خوب نیستند یکی می‌گردید عاقیت خوشی ندارد! یکی مارک شد انتقلاب می‌زند و یکی دیگر تهدید می‌کند در حالی که در همه کشورها دانشجویان همیشه بازگوکنندگان مشکلات و نارسانی‌ها بوده اند. تیاینده رفیس جمهور قول مساعد می‌دهد که به خواستهای دانشجویان رسیدگی شود. دانشجویان نیز ۸ روز مهلت برای اجرای خواستهای خود می‌دهند.

★ در روزهای بعد، حده ای حزب الله در کوی دانشگاه راه می‌افتد و شماره‌گ بر شناق و غیره سرمی دهدند. ۸ روز می‌گذرد و ترتیب اثری به خواسته ای داده نمی‌شود. گویا با افزایش دامنه ارعاب، سهولان موفق می‌شوند از حرفت مجدد دانشجویان جلوگیری کنند. وضع غذا، از قرار معلوم تغیری نکرده است.

★ در دانشکده پزشکی به علت نبودن گازویل برای کرم کردن خوابگاه دانشجویی، تظاهراتی در جلوی دانشکده و در خیابان تخت جمشید از طرف دانشجویان انجام شد. در اتهای این تظاهرات، دانشجویان ۵ تیاینده نزد

کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی در بریتانیا و نروژ

گردید. اتهامات دقیق علیه وی هنوز معلوم نگردیده است. او از حق هرگونه تجدید نظر در حکم آین دادگاه محروم بوده و در تمامی این مدت اجازه نداشته از وکیل برای دفاع از خود استفاده کند.

وی در حال حاضر در زندان "اوین" و در شرایط بد جسمی بسیار بد. مردم فیروز دچار رماتیسم و بیماری قلبی است...

لطفاً نامه های خود را برای آزاد کردن مردم فیروز به رئیس جمهور... ارسال دارید...

در نروژ

در پی هشدار "نامه مردم" درباره در مرض خطر بودن جان رفاقت نورالدین کیانوری و مردم فیروز، واحد حزب توده ایران در نروژ دست به اقدامات وسیعی زد.

در مناطق مختلف نروژ مصاحبه هایی با روزنامه های متفرق ترتیب داده شد و در همکاری نزدیک با واحد های محلی سازمان غفو بین الملل کارزار اضطراب و تهیه طومار و ارسال نامه های امراضی به مقامات مسئول بین المللی سازماندهی گردید.

پیش از هفت اول، کارزار امراضی، بیش از ۴۰۰ نامه به کمیته بین المللی صلیب سرخ، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد و غفو بین الملل ارسال گردید.

رقای ما، در مصاحبه با ارگان مرکزی حزب کمونیست نروژ و نشیوه حزب کارگر نروژ، توضیحات مفصل پیرامون وضع دشوار رفاقت نورالدین کیانوری و مردم فیروز و مصجنین اطلاعات مستندی درباره وضع ناگوار زندانیان سیاسی در ایران ارائه گردید.

سفر مجدد آقای گالیندوپل به ایران

در تماس های مرتب کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" با دفتر سازمان ملل متحد در ژنو، کمیته مطلع گردید که آقای گالیندوپل برای رسیدگی به وضع زندانها دویاره عازم ایران است. در نامه ای که آقای جرج ماتنی مارکوف به آنس ساپر، صدر کمیته دفاع، ارسال داشت از جمله می خوانیم:

"من می خواهم به شما اطلاع بدهم که ثانیه و پریه سازمان ملل (آقای گالیندوپل) در واساطه ژوئیه برای یک سری دیدارهای مشورتی به ژنو خواهد آمد. وی در مدت اقامتش در ژنو خدمات سفر دوم خود به ایران را که بر اساس دعوت دولت ایران است فراهم خواهد کرد...

در این چارچوب ایشان از اطلاعاتی که شما برای ما ارسال داشته اید بسیار مشکر هستند، اگر اطلاعات دیگری هست لطفاً هرچه سریعتر آنها را به آدرس ما در ژنو ارسال دارید..."

کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" در پاسخ به این نامه گزارش مفصلی را به دفتر سازمان ملل ارسال داشت. در این گزارش ضمن برخورد به تقاضای بسیار موجود در اولین گزارش فرستاده ویژه سازمان ملل به ایران از ثانیه و سازمان ملل خواسته شده است تا مسائل زیر را در سفر دوم خود به ایران روشن کند.

- اسامی تمامی کسانی که توسط دولت ایران اعدام شده اند.

- اسامی کسانی که دولت ایران مدعی است در غفو عمومی سال ۱۹۸۹ آزاد کرده است.

- اسامی تمام زندانیان سیاسی.

بدنیال ارسال فراخوان کمیته "دفاع از حقوق مردم ایران" ("کودیر") به نیروها و شخصیت های اجتماعی بریتانیا، موج نوینی از همبستگی وسیع با زندانیان سیاسی ایران در این کشور سربرداشت. گروهی از شخصیت های اجتماعی با ارسال نامه به مقامات ایرانی خواهان قطع آزار و شکنجه زندانیان و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران گردیدند.

گزارش برخی از این اقدامات به شرح زیر است:

نامه از جانب ثانیه ویژه حزب کارگر
درباره ایشان اروپا،

در نامه ای خاتم "مل رید"، ثانیه ویژه حزب کارگر در پارلمان اروپا، به هاشمی رفسنجانی می نویسد:

"من از شما تقاضا دارم تا در مورد دکتر نورالدین کیانوری و همسر ایشان مردم فیروز، که هر دو زندانی مستند، اقدام کنید. من می خواهم مانند بسیاری دیگر از شما آزادی هرچه سریعتر آنان را طلب کنم. ما از شما انتظار داریم تا شرایطی را که این دو در آن نگهداری می شوند و رقتاری را که با آنان شده است دقیقاً بررسی کنید..."

حکم اعدام دکتر کیانوری و مردم فیروز را چرا دانستند؟

آقای "جان برد"، عضو پارلمان اروپا، در نامه ای به هاشمی رفسنجانی چنین می نویسد:

"من و گروه زیادی از همکارانم در پارلمان اروپا به شدت نگران خطری که جان دکتر کیانوری و مردم فیروز را تهدید می کنند هستیم...

ما از شما می خواهیم که از قدرتتان برای متوقف کردن اجرای این احکام استفاده کنید...

ما از شما انتظار داریم که بطور جدی امکان آزادی دکتر کیانوری و مردم فیروز را بررسی کنید..."

مردم فیروز "زندانی ماه"

مجله سازمان غفو بین الملل، چاپ لندن، هر ماه یک زندانی سیاسی را به عنوان "زندانی سیاسی ماه" برمی گزیند و از خوانندگان خود می خواهد تا برای آزادی این زندانی تلاش های خود را تشید کنند.

در شماره ژوئن این مجله مردم فیروز به عنوان "زندانی ماه" برگزینده شده و در این رابطه آمده است:

"مردم فیروز توپسته و مترجم، ۷۰ حدود ساله. وی از سال ۱۹۸۳ به خاطر فعالیت سیاسی زندانی بوده است.

مردم فیروز در آوریل ۱۹۸۳ به همراه دهها تن دیگر از زهیران حزب توده ایران، که بعداً غیرقانونی گردید، دستگیر شد.

حزب توده ایران متهم است که با همکاری قدرت های خارجی - امداد شوروی - برای سرنگونی رئیم چمهوری اسلامی توطئه کرده است. رهبران حزب شکنجه گردیده اند تا به جاسوسی و کارهای غیرقانونی دیگر احتراف کنند.

غیرقانونی شدن حزب توده ایران به دنبال تشدید سیاست سرکوب مخالفان سیاسی صورت گرفت.

هزاران زندانی به دنبال اجرای این سیاست شکنجه و اعدام گردیدند...

مردم فیروز رهبر تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بود. وی مقالات زیادی در مورد حقوق زنان در روزنامه ها و نشریات حزب منتشر کرد. او همچنین مطالب زیادی از ادبیات فرانسه را به فارسی برگرداند.

وی به مدت سه سال بدون محاکمه زندانی بود. او در سال ۱۹۸۶ در یک دادگاه اسلامی، که فرستنده با معیارهای بین المللی فاصله دارند، محاکمه و به اعدام محکوم

وضع پناهندگان در ترکیه

پایمال سازی حقوق پناهجویان در ترکیه آغاز شده است که به خاطر مشکلات فراوان و حقوق پایمال ایران چنین گفت که شده آن در واقع می توان چنین گفت که در ترکیه پناهندگانه ای وجود ندارد، چه برسد به اینکه خود را صاحب حقوق هم بداند. برهمکان آشکار است که بخشی از این مشکلات ناشی از سیستم سرمایه داری جاکم بر ترکیه که سرشار از رشوه خواری، دزدی و بند و بسته های پشت پرده با حکومت های ایران و عراق است و بخشی دیگر که بی تأثیر از شرایط سیاسی - اجتماعی ترکیه نیست مربوط به بوروکراسی عمیق و وجود دیدگاههای خاص حاکم بر سازمان ملل در ترکیه می باشد.

همه این مسائل از طرفی و تشارک حکومت های ایران و عراق برای بازگرداندن پناهجویان از طرف دیگر، دست به دست هم داده و باعث یک سری اعتراضات گسترده در پناهندگان شهرهای مختلف ترکیه گردیده است که در زیر به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم.

در تاریخ ۱۷/۰۴/۹۰ حدود ۲۰ تن از پناهندگان ایرانی در مقابل درب ورودی سازمان ملل متعدد مستقر در آنکارا دست به یک تحسن پنج روزه زدند که خواستهای آنها عبارت بود از:

- رسیدگی مجدد به پرونده های پسته شده.

- خارج کردن پرونده هایی که قبل از پایان چنگ پذیرفته شده، ولی همچنان در بلاتکلیفی پسر می بردند.

- منعکس کردن وضع زندگانی، فشارهای اقتصادی - اجتماعی، روحی و روانی پناهندگان در ترکیه.

در تاریخ ۲۹/۰۵/۹۰ حدود ۲۰ نفر از پناهندگان شهر نیوشاپور پس از ارائه فهرستی از خواستهای مشکلات خود به گوشیهای شدن کشیده اند (که هر سه ماه یک بار برای رسیدگی به همین مسائل به شهرهای مختلف ترکیه اعزام می کنند). پاسخ همیشکی را دریافت می کنند. آنها متعدد و یکپارچه دست به اعتراض می زندند که با دخالت پلیس و بدون نتیجه خاتمه می یابد. یک هفته بعد از این ماجرا به پرونده های سریازی و عراقی های پناهجو اخطار داده شده که در طرف سه ماه بایستی خالک ترکیه را ترک کنند.

در ۲۰ استان ترکیه اینک به پایان رسیده است. مبارزه برای پرگزاری کنفرانس های سازمان های حزبی در محلها در ماه سپتامبر آغاز خواهد شد. اینک دادگاه ترکیه در حال بررسی تقاضای حیدرکوتلو و نیهات سارگین رهبران حزب برای قانونی شدن و ثبت حزب کمونیست است.

انتخابات و کمیته های برگزاروکننده

انتخابات پارلمان که در ماه زوئن پرگزار شد، آرایش واقعی نیروهای سیاسی در چکسلوواکی را نشان داد. کمونیستها ۱۳/۵ درصد آراء انتخاب کنندگان را به دست آوردند. بدینسان ۴۷ کرسی تاییدگی از ۳۰۰ کرسی مجلس قدول را اشغال می کنند.

رویدادهای ماه نوامبر مسئله جایگاه حزب کمونیست در زندگی جامعه و پایه اجتماعی آن را از نو مطرح ساخت. لادیسلو آدامیتس، صدر حزب کمونیست چکسلوواکی، به هنگام سخنرانی در برابر رای دهنده کان اوستراوا گفت که اینک سه جریان در حزب وجود دارد. یکی از آنها جریان اصلاح گران است. این جریان مورد پشتیبانی اکثریت کمونیستهای جوان است.

جریان دوم میانه روها (ساتریست ها) مستند که اکثریت را دارد. آنها مخالف طرد کامل ممه آن چیزی که در ۴۰ ساله اخیر انجام شده هستند و از برنامه اجتماعی - اقتصادی نیرومند حزب طرقداری می کنند. میانه روها مارکسیسم را قبول دارند، اما آنچنانکه می گویند، مارکسیسمی بالوده از هرگونه کردیسی.

جریان سوم را کسانی تشکیل می دهند که با دکترینهای روی داده در کشور پس از ۱۷ دسامبر، سراسازگاری ندارند و از دگم های کهنه روی برخی تابند.

کنگره مجدد نوبتی حزب کمونیست چکسلوواکی در آغاز ماه نوامبر تشکیل می شود. در این کنگره اسناد مهمی در ارتباط با ساختار سازمانی حزب، پایه اجتماعی آن و برنامه آینده نزدیک به تصویب خواهد رسید.

**کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

برگزاری ۱۹۵۵ صالح

نگیب الله، رئیس جمهور افغانستان، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل گفت که افغانستان اینک گام به دوره حساس و مهمی می نهد که از همه طرفهای درگیر برخورد واقع بینانه و مسئولانه به مسائل موجود را می طلبد. رهبر افغانستان برنامه اقدامات برای برقراری مجدد صلح و آرامش در کشور را تشریح کرد. دروغایه این برنامه عبارت است از: گذار از دوره آب ریختن برآتش " به مذاکره میان دولت و همه سازمانها، احزاب و شخصیت های اصلی اهوزیسیون که آمده شرکت در روند صلح هستند. دوره گذاری اعلام خواهد شد که از کنستکو میان طرفین آغاز می گردد و با انتخابات همکانی پایان می یابد. عناصر مهم آن، دستیابی به آتش پس و فراخواندن کنفرانس صلح فراغیر ملی است که کمیته هماهنگ مشترک را تشکیل خواهد داد. در این کمیته همه طرفهای درگیر تاییده خواهد داشت. نگیب الله تاکید کرد که طرفهای روپاروی حق دارند کنترل خود را بر اراضی خویش و دستکاههای اداری موجود در آنها حفظ کنند. او همچنین گفت که دولت افغانستان آماده است مقام های معینی در برخی از وزارت خانه ها را که عملکردشان در سازگاری با اهداف کمیته هماهنگ مشترک است به تاییدگان اهوزیسیون واگذار کند. او عملکرد موقتیت امیز این کمیته را درگرو آن دانست که همه طرفهای دارای تاییدگی در آن، برایه توافق تصمیم گیری کنند.

نگیب الله، اندیشه چشم پوشی دولت از حکومت را رد کرد و گفت که این کار تنها به ایجاد حمام خون می انجامد.

او گفت: ما آماده ایم و این را با کرد ارمان ثابت کرده ایم که از انحصار قدرت چشم پوشی و آن را بادیگران تقسیم می کنیم، اما حاضر به فداکاردن قدرت و ایجاد زمینه ای برای هرج و مرج و آشتفتگی نیستیم.

پرپایی سازمانهای حزبی

"حزب متحد کمونیستهای ترکیه" بربانی کمیته های حزبی در بزرگترین شهر کشور استانبول و نیز در "اسکی شه خیر" را اعلام کرد. چنانکه یوسف کی تیک، عضو هیئت مرکزی حزب، در مصاحبه با روزنامه "گونشن" اظهار داشت، کار بربانی سازمان های حزبی

فکاری در انتخابات

چهارمین تلاش پارلمان پلخارستان پرای برگزیدن رئیس جمهور کشور ناموفق ماند. موضوع از این قرار است که حزب سوسیالیست پلخارستان که در انتخابات پیروز شد، ۲۱۱ کرسی از ۴۰۰ کرسی پارلمانی را به دست آورد. بدینسان اهوزیسیون یعنی اتحادیه نیروهای دمکراتیک ۱۴۴ کرسی دارد و رئیس جمهور با دو سوم آراء یعنی ۲۶۷ رای برگزیده می شود. نیروی سوسیالیستها پرای اینکه رئیس جمهور را به تنهایی برگزینند کافی نیست و اهوزیسیون هم برای جلوگیری از این کار نیروی کافی دارد. اگر تا ۱۰ اوت رئیس جمهور برگزیده نشود، باید تاریخ انتخابات همکانی تازه ای را مین کرد.

آغاز آنکه

زندگانی سیاسی

که نت کاوندا، رئیس جمهور زامبیا، آزادی همه زندانیان سیاسی و تغییر تاریخ همه برسی دریاره مستله برقراری سیستم چند حزبی در کشور را اعلام کرد. او در کنفرانس مطبوعاتی گفت: ما به یکانگی نیاز داریم. شرکت کنندگان در توطنه های ناکام به منظور سرنگون سازی رئیس حکومت و نیز نایش های ضد دولتی دانشجویان، از جمله آزاد شدگانند.

لهم و فیضت فیض الطیب

وضعیت فوق العاده که در سال ۱۹۶۵ زیباوه برقرار شده بود پایان یافت. دولت در هفته گذشته اعلام کرد که قصد تبدیل آن را ندارد. ۲۵ سال پیش رژیم نژاد پرست یان اسمیت در کشور که آن زمان روزنیای جنوبی نامیده می شد وضعیت فوق العاده اعلام کرده بود. اما پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۸۰، تنش در کشور همچنان ادامه داشت. اینک حکومت روپرت موگایه، رئیس جمهور زیباوه، با پیروی از مشی آشتبی ملی و برقراری صلح در منطقه، موفق به تثییت جدی وضع در جمهوری شده است.